



## کشوی پروپیمان واژه‌ها

گفت‌وگو با آقای افشین داورپناه  
عضو هیئت علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری

فکر کنید گنجی دارید. چطور و با چه جدیتی برای اینکه کسی به گنجتان آسیبی نزند از آن نگهداری می‌کنید؟ زیان هم برای ما حکم گنج را دارد که باید بکوشیم کسی غیر دُر و گوهر در آن وارد نکند یا شیِ قلبی در ذخایرمان نریزد. با دکتر افشین داورپناه، عضو هیئت‌علمی پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری در این باره به گفت‌وگو نشستیم.

**اینکه زبان یک موجود زنده است و به طور**

**طبیعی رشد و نمو دارد، به چه معناست؟**

تا زمانی که گروهی به یک زبان صحبت می‌کنند و هنوز کاربر و کاربرد دارد، به آن زبان، زبان زنده می‌گویند. حالا این زبان زنده مانند خود ما تحت تأثیر اتفاق‌ها و جریان‌های اجتماعی قرار می‌گیرد و از طرف دیگر از جریان‌های فرهنگی و همچنین رفت‌و برگشت‌هایی که بین فرهنگ‌ها وجود دارد نیز تأثیر می‌گیرد.

در دوران ما هم که با وجود رادیو و تلویزیون و ارتباط رسانه‌ای مردم دنیا با هم، همان‌طور که سبک زندگی‌مان دچار تغییر و تحول شد، اصطلاحات و واژه‌های جدیدی وارد زبانمان شده است که حتی در زبان روزمره ما شنیده می‌شود.

## پس نباید نگران تغییرات و تحولات زبانی باشیم؟

اگر قرار است به زبان به عنوان موجودی زنده نگاه کنیم، باید تغییرات آن را هم طبیعی بدانیم. گاهی ممکن است این تغییرات آنقدر شدید و زیاد باشند که برخی را نگران کند، اما بهتر است بدانیم که زبان با برخورد با این مدل چالش‌ها رشد می‌کند. حالا اگر نگران این تغییرات شدید هستیم و تصور می‌کنیم که به جهت‌دهی نیاز دارد، باید تمرکز و توجه‌مان را بر آموزش زبان برای بچه‌ها بگذاریم و تا می‌توانیم آنها را با زبان پدرانشان آشنا کنیم. اینکه ما ارتباطمان با گذشته حفظ شود، مهم است.

زبان فارسی را نمی‌توان بدون توجه به گنجینه ادبی زبان فارسی، حفظ کرد. شما نمی‌توانید بدون تقویت فرهنگ ادبی زبان فارسی در ذهن و زبان کودک و نوجوان ایرانی، از او انتظار داشته باشید مراقب این زبان باشد. واقعیت این است که **در سیستم آموزشی رسمی فعلی کشور زمینه آشنایی کودک و نوجوان ما با سعدی، حافظ، شاهنامه، مولانا، نظامی و ... فراهم نیست.** الان بسیاری از جوانان و نوجوانان ما زبان انگلیسی را بهتر از فارسی می‌فهمند!

**چرا پیدا کردن لغات فارسی متروک در گویش‌های**

**مختلف اهمیت دارد؟ چطور این واژه‌ها را می‌توان**

**وارد جریان زنده و پویای زبان کرد؟**

در بسیاری از مناطق فارس‌زبان کشور همچنان برخی واژه‌ها و اصطلاحات قدیمی کاربرد دارند که در زبان رسمی دیگر حضور ندارند؛ حتی گاه در لغتنامه‌های منتشرشده هم نیامده است. نکته اول این است که اگر قرار باشد واژه‌ها و اصطلاحات قدیمی دوباره کاربرد داشته باشند اولاً، باید کارکرد داشته باشند؛ یعنی جامعه به آن‌ها نیاز داشته باشد.

ثانیاً، این واژه‌ها و اصطلاحات قدیمی یا محلی مهجور برای دیده‌شدن و رواج پیدا کردن باید در آثار هنری و ادبی حضور پیدا کنند و به تدریج شناخته شوند و کاربرد پیدا کنند.

در اینجا برای نمونه می‌توانم به اصطلاح «تاسیان» اشاره کنم؛ «تاسیان»، اصطلاحی است در زبان گیلکی به معنای «نوعی دلتنگی، دلمردگی یا بی‌حوصلگی ناشی از غمگین‌بودن برای دوربودن از کسی.» این اصطلاح را سال‌ها پیش هوشنگ ابتهاج (سایه)، شاعر مشهور، برای یکی از سروده‌هایش انتخاب کرد و خوانندگان غیرگیلک اولین بار در شعر ابتهاج با این اصطلاح و معنای آن آشنا شدند.



بعدها شاعران دیگر گیلک که به فارسی شعر می‌سرودند نیز این اصطلاح را به‌کار بردند و به تدریج شعر دوست‌های غیرگیلک با این اصطلاح آشنا شدند به نحوی که برای اکثر اهل شعر و فرهنگ این اصطلاح حالا دیگر شناخته شده است.

در همه‌جای دنیا برای حفظ و ساماندهی زبان ملی‌شان برنامه‌ریزی‌های جدی دارند؛ برای مثال، در فرانسه و آلمان از دهه‌های پیش برنامه‌های فرهنگی و ترویجی متعدد، چند لایه و گسترده‌ای دربارهٔ زبان‌های ملی‌شان اجرا کرده‌اند، ...

اما در کشور ما مهم‌ترین مسئله این بوده که زبان فارسی، به‌عنوان زبان رسمی و ملی و یک متغیر اساسی فرهنگی وحدت‌بخش، در عمل برنامه‌ای برای سنین کودکی و نوجوانی جامعه ایرانی نداشته است یا این برنامه‌های حداقلی در این زمینه نیز واقع‌بینانه، به‌روز و در نهایت نتیجه‌بخش نبوده است. نهادهای متولی نیز عملکرد خوبی نداشته‌اند.

